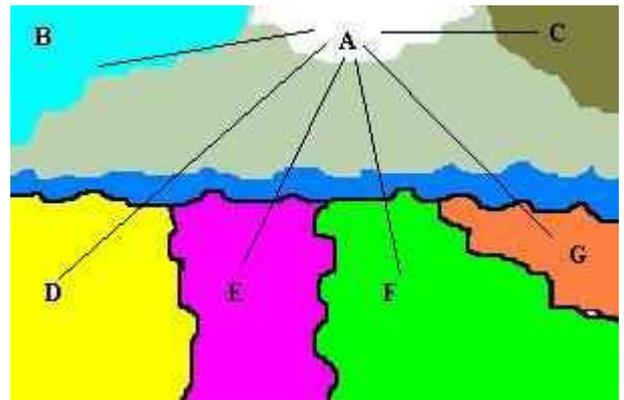


نمیدانم شما فیلم سینمایی " حس ششم " را دیده اید یا نه ؟. اشتباه نکنید من قصد نقد این فیلم را ندارم تنها میخواهم شما را با حسی بنام " حس ششم " آشنا کنم . در این فیلم جمله ای بیان شد تقریباً به این مضمون " پنتاگون تصمیم داشت به وسیله " حس ششم " نرم افزاری بسازد که قادر باشد مینهای که در بوسینی بودند را خنثی کند . یکی از بازیگران پرسید : مگر ممکن است.؟ چگونه.؟ و این جواب را شنید : درست مثل برنامه شطرنج . ما تجربیاتی را که تا امروز در این زمینه یافتیم به کامپیوتر میدهیم و انوقت او به وسیله محاسبه بهترین گزینه را انتخاب میکند . این جمله ای بود که دوست داشتم شما هم بدانید تا مطلبی که امروز برایتان در نظر گرفته ام را بهتر تجزیه و تحلیل کنیم همانطور که تمام شما عزیزان میدانید امروز کامپیوتر قادر است میلیون ها حرکت شطرنج را که به وسیله استادان بزرگ انجام شده ظرف چند صدم ثانیه محاسبه کرده و بهترین حرکت موجود را انتخاب کند . شطرنج که چیز بسیار کوچکی است (البته برای کامپیوترهای امروزی) همانطور که حتما خودتان تجربه کردید . امروزه در تمام بازیها برنامه ها هوشمند شده اند دشمنان با شما میجنگند حرکت بعدی شما را محاسبه میکنند . البته تمام اینها را بگونه ای میسازند تا شما در مبارزه پیروز شوید که اگر اینگونه نباشد شما بعد از مدتی خسته شده و انرا رها میکنید . تمام این مطالب را گفتم تا شما پیش زمینه ای داشته باشید . دوباره به سؤال فیلم میرسیم " ممکن است روزی برسد که انسان چنین برنامه ای را بسازد.؟ " برای جواب این سؤال اول باید بفهمیم اصلاً " حس ششم " وجود دارد.؟ ایا مستنداتی در دست هست.؟ خواهش میکنم این مطلب را با حوصله و با فکر باز بخوانید و انگاه جواب این سؤال را بیابیم .

" حس ششم "

در سال ۱۹۷۸ دانشمندان و محققان بسیاری از کشورهای مختلف در سمیناری که در نیویورک تشکیل شد شرکت کردن . هدف این سمینار بحث در زمینه حس ناشناخته انسان یا همان " حس ششم " بود . دکتر کرستن براندت استاد دانشگاه نیوکاسل از آزمایشات و بررسی های که او به همراه همکارانش در این زمینه انجام داده است صحبت کرد . ایشان گفت : طبق آنچه که من تا امروز توانسته ام به ان پی ببرم این است که بعضی از حیوانات حسی را دارند که من و شما انرا " حس ششم " مینامیم . او و همکارانش مدت ۷سال در افریقا مشغول مطالعه به روی حیوانات و بخصوص "گوزن یالدار" بودند . این گوزن با همین حس مراتح سرسبز را شناسائی میکرد " شاید شما بگوئید این غریزه حیوان است . اما در اینجا به هیچ

عنوان نمیشود نام این موضوع را غریزه گذاشت. به عنوان مثال ماهی غزل الا برای تخم گذاری به همانجا میاید که خود متولد شده. پرستو براحتی قطب شمال و قطب جنوب را پیدا میکند چون به صورت غریزی اینرا میداند " اما طی تحقیقات دکتر کرستن براندت به روی گوزن یالدار انجام داد متوجه شد. این حیوانات یک مبداء دارند که من انرا نقطه **A** گذاشتم و چند گزینه که من با حروف دیگر انرا مشخص کردم (در عکس میتوانید ببینید) طی مدت ۶ سال تیم ما متوجه شد در نقطه **A** در فصل بهار بخاطره بارندگی اکثرا " مواد غذایی یافت میشود. اما گوزنهای یالدار که در گله های بسیار بزرگ (میگویند این گله حدود ۷۰۰ هزار راس میباشد) هستند خیلی زود این منابع را استفاده میکنند. انوقت انها باید



مراتع دیگری بیابند. در سال اول بهترین مکان غذایی برای انها نقطه **G** بود. انها باید چیزی حدود ۹۵۰ کیلومتر طی میکردن تا به نقطه **G** برسند. انها پس از عبور از رودخانه مارا "**Mara**" (که من بصورت نوار آبی رنگ انرا مشخص کردم) و طی کردن این مسافت به انجا میرسیدن انها بعد از حدود سه ماه دوباره به محل **A** برمیگشتند. دکتر کرستن براندت میگوید: دوباره منابع در نقطه **A** تمام شد و اینبار گله بطرف نقطه **C** حرکت کرد و این منطقه طی بررسی های ما بهترین محل بود. دوباره پایان منابع غذایی در نقطه **C** ولی اینبار یک اتفاق عجیبی افتاد. گله مدت ۲ ماه در نقطه **C** ماند و بخاطر نباریدن باران و خشکسالی نقطه **A** که مبداء این حیوانات بود هیچ علفی نروئیده بود. گله دوباره به راه افتاد. در ان فصل تنها نقطه ای که میتوانست انها را تامین کند نقطه **E** بود. این مرتع در تانزانیا و نزدیک دریاچه ناتور واقع شده بود. گله های گوزن یالدار چیزی حدود ۱۳۰۰ کیلومتر باید میپیمودن تا به انجا میرسید و انها اینکار را به بهترین شکل انجام دادند. اما در خلال آزمایشات ما اتفاقی افتاد که ما مطمئن شدیم این حیوانات از حسی بهره مندند که ما انرا " حس ششم " مینامیم. در یکی از سالها انها از نقطه **A** براه افتادند و به **F** رفتند و بعد از پایان منابع نقطه **F** انها دوباره به نقطه **A** برگشتند. بعد از گذشت سه ماه انها باید بطرفی حرکت میکردند. ما متوجه شدیم بهترین منطقه نقطه **F** است. یعنی همانجائی که انها قبل از حرکت به مبداء انجا بودند. انها بحرکت در آمدند و مقصدشان نقطه **F** بود. تیم دکتر کرستن براندت ثابت کرد که گوزن یالدار یکی از قویترین موجوداتی است که حس ششم را دارا میباشد. " وقتی منابع تغذیه گوزن

یالدار به پایان میرسد غریزه میگوید باید آن منطقه را ترک کنند. اما آنها با غریزه نمیتواند بهترین محل را برای تعیین مواد غذایی بیابند. تنها حسی که آنها را زنده نگه میدارد و به آنها کمک میکند " حس ششم " آنهاست

" آزمایش بعدی "

در سال ۱۹۹۸ یک تیم دیگر شروع به تحقیق و بررسی در زمینه " حس ششم " کرد. دکتر "توماس لسترویک " اهل سوئد برای اولین بار توانست ثابت کند. انسان ناخود آگاه به چیزهای بد پاسخ میدهد (حتا قبل از اینکه روی دهد) مثلا در آزمایشی نویسنده یک مجله مشهور را روبروی صفحه سیاه نمایشگر قرار دادند. ترتیب کار به این صورت بود که مجموعه ای از تصاویر به او نشان داده می شدند که برخی از آنها تصاویر آرامش بخشی بودند. مانند یک دریاچه ساکن و برخی دیگر هیجان زا مثل یک عنکبوت بزرگ و یا عقرب.. ترتیب این تصاویر به صورت اتفاقی و توسط رایانه انتخاب می شد. به دو انگشت دست چپ وی چند الکتروود وصل شد تا تغییرات کم در مقاومت پوست او بررسی شود و به سومین انگشت وی الکتروودی وصل شد که جریان خون را اندازه میگرفت. بعد از این که وی دکمه را فشار میداد، به مدت ۵ ثانیه تصویر سیاه میماند سپس یک تصویر به مدت ۳ثانیه نمایش داده می شد و دوباره ۵ ثانیه تصویر سیاه نشان داده می شد تا وی دکمه را فشار دهد. بعد از اتمام آزمایش نتایج تحلیل شد و دو نمودار از این آزمایش حاصل شد. هر یک از نمودار میانگین تغییرات مقاومت پوست و جریان خون را قبل ، همزمان ، وبعد را از هر دو نوع تصویر نشان میدهند. همانطور که این نمودار نشان میداد بعد از دیدن تصاویر آرامبخش تغییرات زیادی در مقاومت پوست و جریان خون به وجود نمی آمد ولی تصاویر هیجان انگیز هر دو را بالا میبرد. اما نکته ای وجود داشت. این نمودارها در قسمت قبل از نمایش دادن تصاویر است: بدن وی قبل و بعد از دیدن تصاویر هیجان انگیز به آنها پاسخ داده است. ولی قبل از دیدن تصاویر آرامش بخش ، پاسخی نداده است. یعنی بدن وی قبل از دیدن تصاویر، به احساس آینده وی پاسخ داده است. این آزمایش به روی ۱۰۰ نفر انجام شد و نتیجه ۸۵ نفر آنها یکسان بود. این امر نشان داد که چرا بعضی افراد ، قبل از اینکه اتفاق بدی برایشان به وجود آید ، احساس بدی دارند (به احتمال زیاد برای شما هم پیش آمده که گاهی بقول معروف دلتان شور میزند بخصوص مادران) حالا میخواهم سئوالی را که در ابتدای مطلب عنوان کردم را از شما بپرسم. آیا شما هم به " حس ششم " اعتقاد دارید. اگر هنوز دو دل هستید حتما مطلب بعدی را بخوانید. حادثه ای که در سال ۲۰۰۱ کل سیستم قضائی ایالات متحده را به فکر فرو برد.